

چهارشنبه 17 اردیبهشت 1399-12/رمضان 1441-6 می 2020

وقوع زلزله شدید در سلماس و کشته شدن بیش از دو هزار نفر (1309 ش)



وقوع زلزله شدید در سلماس و کشته شدن بیش از دو هزار نفر (1309 ش)، زلزله بزرگ و مخرب سال ۱۲۰۹ سلماس جزو یکی از مخربترین زلزله های منطقه آذربایجان محسوب می گردد. این زلزله پانزده ساعت پس از پیش لرزه سلماس در نیمه شب سه شنبه یا در حقیقت بامداد روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت زلزله اصلی در آن واحد موجب تخریب کامل دیلمقان و حدود شصت روستا در دشت سلماس و مناطق حاشیه آن شد. دامنه آسیب ها از دشت سلماس به دهستان قطور و مسیر علیای زاب در ترکیه کشیده شده بود و موجب کشته شدن ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر در سلماس شد. در منطقه سلماس به سبب نا امی های پس از دوران صفویه آثار باستانس جدی و قابل تامل وجود نداشته و اگر اثری موجود بوده پس از دوره قاجاریه بوده که آن هم در حوادث پس از جنگ اول جهانی تقریباً نابود شد. بررسی آثار باقیمانده باستانی در سلماس نشان می دهد آثار موجود در کوهستان نظیر قلاع باستانی و دخمه های اورارتوئی و یا بنا هائی که به نوعی در ساختمان نشان سنگ می باشد از استحکام نسبتاً مناسبی در برابر زلزله بزرگ ۷/۲ درجه سلماس داشته اند. بر اساس این مطالعه کل آثار خشتی و گلی منطقه از بین رفته اند. در این زلزله اکثر آثار باستانی سلماس از جمله حصار ۴ متری شهر دیلمقان، مساجد و بقاع قدیمی و عبادتگاه های مسیحیان، مناره قرون وسطی پی میرخاتون در کهنه شهر، پلهای قدیمی از بین رفت. این زلزله که بزرگی آن را بربریان (۱۹۷۴) $M=7/4$ و مؤسسه ژئوفیزیک $M=7/2$ برآورد کرده است یکی از مخربترین زلزله های آذربایجان و شاید منطقه خاورمیانه می باشد بطوریکه سال ۱۹۳۰ در تاریخ زلزله شناسی بنام ۱۹۳۰ سلماس ثبت شده است. پس از زلزله در ۱۰ کیلومتری شمال گسل سلماس یک چشمه آب گازدار هیجده درجه بوجود آمد که در سلماس زلزله بولاغی (چشمه زلزله) نامیده شد. این چشمه بعدها پس از زلزله ها مخصوصاً زلزله ۲۲ ژوئن ۱۹۷۳ سلماس رنگ گل به خود گرفت. در نتیجه این زلزله سطح ایستابی منطقه موقتاً بالا رفته و مناطق پست را آب فرا گرفت اما به زودی به سطح پیشین خود فرو نشست. آب دریاچه که خیلی پایین رفته بود به تدریج بالا آمد و زمین لغزشهای متعدد در دره سلماس و در شیپهای لشکران و سایر مناطق رخ داد که ریزش تپه های باستانی هفتوان تپه و دیریش تپه قابل ملاحظه بود. امبرسیز (۱۹۸۲) شعاع تخریب زلزله را ۲۳ کیلومتر و شعاع احساس را ۲۵۰ کیلومتر برآورد کرده است یعنی این زلزله در بغداد و تفلیس احساس شده است. پس از استقرار آرامش در سلماس، شهر جدیدی در یک کیلومتری دیلمقان - در محل فعلی شهر سلماس با نقشه صحیح شهر سازی و مهندسی و به صورت شطرنجی مهندس اسدالله خاورزمین احداث و به هر یک از اهالی شهر ویران شده سلماس قطعه زمین مناسبی جهت خانه سازی و اسکان داده شد. از ویرانه های سلماس امروزه چیزی باقی نمانده است، بجز پایه دیوارهای مسجد آقا «آقامچیدی» و سنگهای منشوری شکل ستونهای مسجد که جای دارد محل این آثار توسط میراث فرهنگی حصار کشی شده و بعنوان یادگاری از زلزله مشهور و ویرانگر ۱۹۳۰ م سلماس برای آیندگان جهت عبرت و برنامه ریزی اصولی جهت تلاش برای بسط دانش زلزله شناسی و مهندسی زلزله در منطقه استفاده گردد.

درگذشت استاد "بدیع الزمان فروزانفر" نه‌سنده، شاعر، ادیب، محقق، معاصر (1349 ش)، استاد بدیع الزمان فروزانفر خراسانی در حدود سال 1279 ش (1318 ق) در بشرویه در استان خراسان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، حکمت و فلسفه در مشهد و تهران در خدمت استادانی مانند ادیب نیشابوری، میرزا طاهر تنکابنی و سیدکاظم عصار و... به پایان رساند و پس از آن در مدرسه دارالمعلمین عالی، سمت معلمی ادبیات را برعهده گرفت. بدیع الزمان از استعداد و هوشی بسزا برخوردار بود و حافظه و حافله و ریاضی فوق العاده داشت. وی سفرهای علمی متعددی به خارج از کشور انجام داد و در دانشگاه های برخی کشورها، کرسی تدریس زبان و ادبیات فارسی را تأسیس کرد. استاد فروزانفر دانشمندی نکته سنج، استادی محقق و مدرس بی نظیر بود و علاوه بر داشتن اطلاعات بسیار در زمینه معارف اسلامی و ادبیات فارسی، شاگردان بسیاری تربیت نمود که هر یک از آنها در شمار استادان بزرگ به شمار می آیند. از این ادیب گرانقد آثار فراوانی بر جای مانده که تالیف کتاب سخن و سخنوران در چهار جلد، تاریخ ادبیات ایران و نیز تصحیح کلیات شمس تبریزی و نیز تصحیح فیه مافیة مولوی و... از آن جمله اند. استاد فروزانفر سرانجام در 17 اردیبهشت 1349 بر اثر سکته قلبی در هفتاد سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت و جامعه ادبی ایران را سوگوار نمود.

در دوران قاجار به خصوص از زمان فتحعلی شاه، اسناد به صورت آرشیو اداره بیوتات در دربار، نگهداری و در زمان 39#& ناصرالدین شاه 39#&، اسناد سیاسی در وزارت امور خارجه و اسناد مالی در دفتر 39#& میرزا یوسف خان مستوفی الممالک 39#& گردآوری می شد. وزارت خارجه ایران در سال ۱۲۷۸ توانست با پیروی از روش بایگانی کشورهای اروپایی، بایگانی خود را با رعایت اصول صحیح حفظ و نگهداری اسناد انسجام بخشد. در سال ۱۲۴۵، لایحه تأسیس 39#& سازمان اسناد ملی ایران 39#& ارائه شد، در روز هفدهم اردیبهشت ماه، سال ۱۳۴۹، مجلس شورای

ملی، قانون تاسیس این سازمان را تصویب کرد. اسناد ملی عبارت است از: "کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده ها، عکسها، نقشه ها، کلیشه ها، نمودارها، فیلم ها، نوارهای ضبط صوت و سایر اسنادی که در دستگاه دولت تهیه شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و بطور مداوم در تصرف دولت بوده از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران ارزش نگهداری داشته باشد."

مرگ "حجاج بن یوسف ثقفی" حاکم خونخوار عراق بعد از مرضی سخت (95 ق) حجاج بن یوسف ثقفی از ستم rlm& کاران تاریخ به شمار می rlm& آید و طی مدت بیست سال حکومت خویش، تلاش وافر در تحکیم و تثبیت حکومت مروانیان به عمل آورد. وی پس از کشتن عبدالله بن rlm& زبیر و به منجیق بستن خانه rlm& ی خدا و پایان دادن به حکومت آل rlm& زبیر، علاوه بر حجاز، حکومت عراق و شرق عالم اسلام (تا مرزهای هند و مغولستان) را نیز به دست آورد. غیر از افرادی که در جنگ rlm& ها به دست این حکمران خونخوار کشته شدند، وی حکم قتل حدود صد و بیست هزار نفر را نیز در دوران حکومتش صادر کرد. حجاج بن یوسف، تلاش وافر در کشتن طرفداران امام علی (ع) و براندازی نام و نشان اهل rlm& بیت از خود نشان داد و در این راه، از هیچ ظلم و تعدی فروگذار نکرد. حجاج سرانجام در حالی که به دلیل جنایاتش دچار اختلال روانی و کابوس شده بود در 55 سالگی از دنیا رفت و جسد وی را مخفیانه در محلی که مردم خشمگین متوجه rlm& ی آن نشوند، دفن کردند. در آن هنگام بیش از 50 هزار مرد و 30 هزار زن در زندان او به سر می rlm& بردند که بسیاری از آنان برهنه بودند.

درگذشت "شاه اسماعیل دوم صفوی (985 ق) شاه اسماعیل دوم مردی عیاش و خونخوار و سفیه بود و چون در جوانی در هرات به دست معلمی سنی مذهب تربیت یافته بود، بر آن شد که چون به شاهی برسد، مذهب شیعه را براندازد و همین کار را کرد. وی پس از به دست گرفتن قدرت، تمام برادران خود را یکی پس از دیگری به قتل رسانید و سپس به کشتار شاهزادگانی که در اطراف پایتخت بودند، پرداخت. با این حال، حکومت پرچور او، بیش از یک سال به طول نینجامید و بر اثر افراط در مصرف شراب و مسکرات و مواد افیون rlm& دار مُرد. مردم از مرگ این پادشاه، بسیار شادمان شدند.

وفات فقیه عارف "جهانگیر خان قشقایی" عالم نامدار قرن چهاردهم هجری (1328 ق) میرزا جهانگیر خان قشقایی از دانشمندان بزرگ ایرانی در اواسط قرن سیزدهم هجری، در میان ایلات قشقایی به دنیا آمد. پس از مدتی به فراگیری علوم اسلامی همت گماشت و به عالمی توانا تبدیل شد. از آن پس، عمر خود را به تدریس علوم دینی صرف کرد و بسیاری از بزرگان، از محضر او استفاده کردند. در طول حدود پنجاه سال که در مدرسه rlm& ی صدر اصفهان و... به تدریس می rlm& پرداخت شاگردانی از قبیل آیت rlm& الله شهید سیدحسن مدرس، آیت الله بروجردی، فاضل تونی و وحید دستگردی در حلقه rlm& ی درس او آموزش دیدند. میرزا جهانگیرخان قشقایی با این که دروس حوزوی را تدریس می rlm& کرد ولی به لباس محلی و سنتی خود مقید بود و همواره از آن استفاده می rlm& کرد. این دانشمند بزرگ ایرانی سرانجام در حدود 85 سالگی دار فانی را وداع گفت و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

تولد "زیگموند فروید" روان rlm& پزشکی و روان rlm& کاو برجسته اتریشی (1856 م) زیگموند فروید، روان rlm& کاو معروف اتریشی در 6 مه 1856 م از پدر و مادری یهودی در چکسلواکی به دنیا آمد و در چهارسالگی به همراه خانواده rlm& اش به وین در اتریش رفت. وقتی که فروید دوران دبیرستان را به پایان رسانید، میل به شناخت انسان، او را به سوی آموزش تحقیق در علم فیزیولوژی و کالبدشناسی کشاند و برای این منظور، در هفده سالگی در دانشکده پزشکی ثبت نام کرد. فروید در ابتدا تمایلی به طب نشان نمی rlm& داد و به تحقیق خالص علمی علاقه بیشتری داشت. باین حال از 29 سالگی کار خود را به عنوان طبیب متخصص اعصاب آغاز کرد و پس از چندی در درمان بیماری rlm& های روانی و نیز در رشته روان rlm& شناسی تبحر پیدا کرد. از سال 1895 م تا پایان عمر، فروید، سخت به کار دانش نوین روان rlm& شناسی و روان rlm& کاوی مشغول بود. او نظریه rlm& ها و عقیده rlm& های خود را بر تجربه rlm& هایی که از درمان بیماران خویش به دست می rlm& آورد پایه گذاری نمود. فروید به این نکته پی برد که نتایج آزمایش rlm& های بالینی بیماران روانی برای تشخیص بیماری کافی نیست و تنها کاربرد جراحی و میکروسکوپ نمی rlm& تواند همه مسائل مغز را بگشاید. شیوه rlm& ای که فروید برای بهبود این بیماران ابتکار کرد این بود که در حالی که بیمار در حال استراحت مطلق و هوشیار بود از او می rlm& خواست افکاری که از مغزش می rlm& گذرد مسلسل rlm& وار به زبان آورد. این شیوه که عبارت از کشاندن اندیشه از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر آگاه است، به زودی به نام تحلیل روانی یا روان rlm& کاوی معروف شد. وقتی فروید برای اولین بار تئوری خود را مطرح نمود، دنیا با ضربه عظیمی مواجه شد و هنگامی که وی در سال 1896 م، منشأ اختلالات روانی را ناکامی rlm& های جنسی عنوان کرد، روان rlm& شناسان سراسر دنیا را به واکنش علیه خود واداشت. منتقدان فروید نسبت به آراء او که خواهان آزادی مفرط جنسی بود اعتراض می rlm& کردند و معتقد بودند که این مسئله، تمام موضوعات زیبای این دنیا هم rlm& چون معصومیت دوران کودکی را زیر سؤال می rlm& برد. مسئله دیگری که مورد اعتراض قرار گرفت، دخالت فروید در امور شخصی بیماران بود. میراث فروید، بحث و جدال بسیاری را برانگیخت و تا سال rlm& های متممادی، یافته rlm& های او مورد نقد و بررسی پژوهشگران، دانشجویان و حتی انسان rlm& های عادی قرار گرفت. فروید منشأ اندیشه rlm& ها و رفتار انسان را ضمیر ناخودآگاه وی می rlm& داند و ریشه بسیاری از دردها و عقده rlm& ها را، در واپس زدگی rlm& های دوران کودکی می rlm& شمارد. در سال 1938 م که نهضت نازیسم از مرزهای آلمان تجاوز کرد و اتریش را فرا گرفت، فروید یهودی، به همراه دخترش به انگلستان پناهنده شد. وی در آنجا به عضویت انجمن سلطنتی انتخاب گشت و سرانجام در 23 سپتامبر 1939 م در 83 سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. جسد فروید را بنا به وصیت خودش سوزاندند

و تبدیل به خاکستر کردند. از زیگموند فروید آثار متعددی برجای مانده که آینده یک توهم، آشوب تمدن، روان‌شناسی توده و تعبیر رؤیا از آن جمله‌اند؛ rlm&

مرگ "فردریش هومبولد" جغرافی‌دان آلمانی و پدر جغرافیای نوین (1859م) rlm&؛ دان معروف آلمانی در 14 سپتامبر 1769م در برلین در آلمان به فردریش ویلهلم هانریش الکساندر هومبولد جغرافی‌دان معروف آلمانی در 14 سپتامبر 1769م در برلین در آلمان به دنیا آمد. وی از آغاز جوانی، تحصیلات منظّمی نکرد و به رشته‌های گوناگون گرایید. با این حال پس از چندی به گیاه‌شناسی و علوم طبیعی علاقه‌مند شد و از 21 سالگی سفرهای علمی خود را به نقاط مختلف جهان آغاز کرد. او آزمایش‌هایی درباره جریان برق در عضلات اعصاب انجام داد و از گیاهان و مواد زمینی نمونه‌های فراوانی گرد آورد. هومبولد درباره جریان‌های اقیانوسی در کرانه‌های آمریکای جنوبی مطالعه کرد که این جریان هنوز به نام او است. وی درباره آتشفشان‌های آمریکا تحقیق کرد و دریافت که امتداد آنها بر خط راست است. هومبولد همچنین شدت انحراف مغناطیسی را در مسیری از دو قطب زمین به سوی استوا اندازه گرفت و نسبت تنزل دما با ارتفاع را تعیین نمود. او سالیانی در ایالات متحده ماندگار شد و درباره آثار تاریخی سرخپوستان تحقیقات پرارزشی کرد. هومبولد در دوران طولانی عمر خود اطلاعاتی وسیع و مدارکی فراوان جمع‌آوری نمود و در هفتاد سالگی، این اطلاعات را در کتابی به نام کیهان انتشار داد. وی در این کتاب کوشیده است تا زمین را از لحاظ کیهانی مورد بحث قرار دهد. این کتاب یکی از جالب‌ترین کتاب‌های علمی است که در تاریخ علم نوشته شده است و به عنوان نخستین دایرةالمعارف دقیق و مستند در باب جغرافیا و زمین‌شناسی به شمار می‌رود. مجموعه کتاب کیهان تا جلد چهارم در زمان خود هومبولد انتشار یافت و جلد پنجم آن پس از مرگش منتشر شد. کتاب و تحقیقات هومبولد که بر اساس کشف راز چگونگی زمین و جهان استوار بود، باعث گردید که وی را پایه‌گذار جغرافیای نو بدانند. همچنین هومبولد را مؤسس دانش ژئوفیزیک دانسته‌اند که به عنوان شاخه‌ای از فیزیک به زمین و پدیده‌های فیزیکی و از جمله تغییرات شتاب جاذبه، زلزله و مانند آن می‌پردازد. فردریش

هومبولد سرانجام در ششم مه 1859م در 90 سالگی درگذشت. تولد "رابیندرانات تاگور" فیلسوف، نویسنده و شاعر بلند آوازه هندی (1861م) رابیندرانات تاگور شاعر و نویسنده هندی در 6 مه سال 1861م در خانواده‌ای برهمایی که افراد آن شاهزاده بودند، متولد شد. او از کودکی به سرودن شعر روی آورد و قبل از 18 سالگی، بیش از هفت هزار بیت شعر سرود و مقالات فراوانی در روزنامه نوشت. تاگور در 16 سالگی برای تحصیل حقوق راهی انگلستان شد و هم‌زمان، به تحقیق درباره شاعران انگلیسی پرداخت. وی در سال 1901م خانه صلح را در هندوستان تأسیس کرد و همه نظراتش را درباره چگونگی آموزش و پرورش در این مدرسه به مرحله عمل درآورد. تاگور در این مدرسه به تربیت و ارشاد جوانان هندی پرداخت و براساس اندیشه‌های مذهبی و سنتی به پیشرفت معنوی آن کمک کرد تا این‌که پس از بیست سال، به دانشگاه تبدیل شد. تاگور از هنگامی که به نهضت ملی هند پیوسته بود بیشتر، اشعار تبلیغاتی می‌سرود، ولی به تدریج، کارهای پر حرارت ایام جوانی را رها کرد و راه نویسنده‌گی خاص خود که در آن، توصیف‌های لطیف طبیعی را با تفکرات مذهبی و فلسفی در هم آمیخته بود، در پیش گرفت. در این زمان بود که وی از همه آثار ادبی قدیم هند به ویژه ادبیات قدیم سانسکریت استفاده و اقتباس نمود و آثارش در سراسر هند رواج یافت. او در طول عمر خود سه هزار ترانه سرود، شصت کتاب منتشر کرد و مقالات، داستان‌های طولانی و وعظ و نمایش‌نامه‌های زیادی از خود به جای گذاشت. قربانی، پادشاه و ملکه و زورق طلایی از جمله آثار اوست. هم‌چنین دیوان گیتانجالی وی، به سبب ارزش معنوی و احساس عمیق انسانی که در اشعار آن نهفته است، شهرتی جهانی دارد. تاگور به وسیله این دیوان و نیز حدود یکصد دیوان شعر که منتشر نمود، به عنوان بزرگ‌ترین شاعر زمان خود معرفی گردید. علاوه بر کارهای ادبی، تاگور دارای فلسفه‌ای مخلوط از فلسفه شرقی و اخلاقیات مسیحی و یهودی بود. وی چندان رغبتی به حیات اخروی نشان نمی‌داد و آنچه بیشتر به آن توجه می‌کرد، تحول مترقیانه انسان در زندگی فعلی او بود. تاگور اعتقاد داشت که این تحول، فرایند یادگیری از طریق رنج است و این اندیشه را به زیبایی تمام در یکی از اشعار خود بیان می‌کند. از میان آثار منثور تاگور که بیان‌کننده فلسفه او هستند، شاید دل‌انگیزتر از همه، مجموعه نامه‌های خارجی اوست که در سال 1921م انتشار یافت. تاگور در سال 1913م جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد و از دانشگاه آکسفورد لندن، دکترای افتخاری گرفت و او نه تنها به خاطر زیبایی شاعرانه سبکش در نوشتن بلکه به خاطر عمق افکار فلسفی‌اش، شایسته دریافت نوبل شد. رابیندرانات تاگور سرانجام در 7 اوت 1941م پس از یک عمل جراحی در هشتماد سالگی در کلکته درگذشت.